

ابوسهل عنبری (د ۲۰۷ ق)، ابوالنضر هاشم بن قاسم (د ۲۰۷ ق)، سعید بن عامر، ابوزکریا بکری، اسود بن عامر شاذان (همگی: د ۲۰۸ ق/۸۲۲ م)، و نیز ابوالولید طرابلسی و خجاج بن منهل از مشاهیر آن دیار حدیث شنیده است. پیش از ۲۱۲ ق سفری به سرزمینهای شام نیز داشته، و در آنجا از کسانی چون محمد بن یوسف فریابی (د ۲۱۲ ق/۸۲۷ م)، ابومغیره خولانی (د ۲۱۲ ق)، و نیز ابوسهیر عسائی و آدم بن ابی ایاس حدیث شنیده است. وجود نام کسانی در میان مشایخ وی مانند عبدالله بن زبیر حمیدی، شیخ الحرم (د ۲۱۹ ق/۸۳۴ م) و ابن ابی مریم مصری (د ۲۲۴ ق/۸۳۹ م) نشان دهنده حضور وی در حجاز و مصر است.

می دانیم که در خلافت مأمون، در عراق و به ویژه در بغداد، آزمون عقیده محدثان درباره مسئله خلق قرآن یا به اصطلاح «محنة»، یکی از مهم ترین رخداد های آن عصر به شمار می رود، که برخی از محدثان را یا دشواریهایی مواجه نمود. اینکه نام وی در منابع مربوط به محنه وارد نشده، می تواند تأییدی بر یادکرد پیشین، مبنی بر حضور وی در اواخر دهه ۲۰ سده ۲ ق در حجاز باشد. به نظر می رسد گروه دوم از مشایخ خراسانی وی را متأخران، یعنی در گذشتگان دهه ۳۰، در بر می گیرند؛ کسانی از جمله صدقة بن فضل، ابوعبید قاسم بن سلام، و محمد بن سلام بیکندی (برای مشایخ، نک: مزی، ۲۱۰-۲۱۳/۱۵؛ ذهبی، تذکرة ...، ۵۳۵/۲؛ برای تکمیل، نک: دارمی، ۲۷۸/۱، جم).

ارویان دارمی را گروه بزرگی از مشایخ طراز اول سده ۳ و ۴ ق تشکیل می دهند که در منابع برخی از صاحبان صحاح همچون مسلم، ابوداود، و ترمذی در کتب سته از او نقل مکرر دارند (مسلم، ۱۷۱، ۲۰، جم؛ ابوداود، ۳۶۲/۱، ۵۲۵، جم؛ ترمذی، ۲۲۸/۱، ۳۰۹). به علاوه از بزرگانی مانند بخاری، ابوزرعه رازی، ابوحاتم رازی، یحیی بن مخلد، عبدالله بن احمد بن حنبل، محمد بن یحیی ذهلی و جعفر بن محمد فریابی نیز یاد شده است (ابن ابی حاتم، ۲/۲۱۲)؛ اصفهانی، ۱۳۲۹/۴، ۱۳۳۵، جم؛ خطیب، ۳۱۷/۱۰؛ ابن عساکر، ۳۱۵/۲۹؛ مزی، ۲۱۳/۱۵).

از نظر گرایشها، توجه ویژه دارمی به مباحث زهد و اخلاق قابل توجه است. سنن دارمی به عنوان قدیم ترین سنن برجای مانده که مبتنی بر ابواب فقه تدوین شده، پیش از باب فرائض، بخشی را به مبحث «رقائق» مختص گردانده است. مشخص است که موضوع رقائق و مباحث پیرامونی آن در مبحث عام اخلاق و زهد جای می گیرد، و نه در شمار مباحث فقهی. براساس آنچه در منابع درباره زهد و پارسایی او بیان شده، و مخصوصاً اینکه به رغم دعوت وی به قضا، از آن پرهیز کرده، و عملاً پس از یک داوری، از قضا دست کشیده (خطیب، ۲۹/۱۰)، گرایشهای زهدگرایانه وی قابل درک است.

با بررسی باب رقائق سنن دارمی، باید گفت: مؤلف در مواجهه

۱۹۵۲ م؛ ابن اثیر، علی، اللباب، قاهره، ۱۳۵۷ ق؛ ابن تیمیه، احمد، بیان تلبیس الجهمیه، به کوشش محمد بن عبدالرحمان بن قاسم، مکه، ۱۳۹۲ ق؛ ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت، ۱۴۱۵ ق/۱۹۹۵ م؛ ابن عماد، عبدالحمی، شذرات الذهب، به کوشش عبدالقادر ارناؤوط و محمود ارناؤوط، بیروت/دمشق، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶ م؛ ابن قیم جوزیه، محمد، اجتماع الجیوش الاسلامیه، بیروت، ۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴ م؛ ابن کثیر، الیادیه؛ دارمی، عثمان، الرد علی بشر المرسی، به کوشش محمد حامد ققی، بیروت، ۱۳۵۸ ق؛ هو، الرد علی الجهمیه، به کوشش یوستا ویستام، لیدن، ۱۹۶۰ م؛ ذهبی، محمد، تذکرة الحفاظ، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۸ ق/۱۹۶۸ م؛ هو، سیر؛ هو، المعین فی طبقات المحدثین، به کوشش همام عبدالرحیم سعید، عمان، ۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴ م؛ سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعیة الکبری، به کوشش عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طناحی، قاهره، ۱۳۳۶ ق/۱۹۱۸ م؛ سمعانی، عبدالکریم، الانتساب، به کوشش عبدالله عمر بارودی، بیروت، ۱۴۰۸ ق/۱۹۸۸ م؛ سهمی، حمزه، تاریخ جرجان، به کوشش محمد عبدالعزیز، بیروت، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م؛ سیوطی، الدر المنثور، بیروت، ۱۹۹۳ م؛ هو، طبقات الحفاظ، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ عیادی، محمد، طبقات الفقهاء الشافعیة، به کوشش یوستا ویستام، لیدن، ۱۹۶۴ م؛ کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ یحیی بن معین، التاریخ، روایت عثمان بن سعید دارمی، به کوشش احمد محمد نور سیف، مکه، مرکز البحت العلمی و احیاء التراث الاسلامی.

محمد کاظم علوی

دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمان تمیمی سمرقندی (۱۸۱-۲۵۵ ق/۷۹۷-۸۶۹ م)، محدث و فقیه ماوراءالنهر و صاحب سنن، یکی از جوامع مهم حدیثی نزد اهل سنت. دارمی نسبت ولاء به بنی دارم بن مالک داشته، و خاستگاه وی سمرقند بوده است (سمعانی، ۴۴۷/۲؛ ذهبی، سیر ...، ۲۲۴/۱۲). آن گونه که از او نقل شده، در سال وفات ابن مبارک، عالم و محدث مشهور خراسان، یعنی در ۱۸۱ ق به دنیا آمده بود (همان، ۲۲۸/۱۲).

بدرغم شهرت اثر دارمی، آگاهی چندانی از شرح حال وی در دست نیست، و منابع تنها به پرسفر بودن او برای کسب حدیث تصریح کرده اند. دارمی افزون بر شهرهای ماوراءالنهر و خراسان، در حجاز، عراق، شام و مصر نزد استادان و مشایخ حدیث حضور یافت و از دانش ایشان بهره برد. با بررسی فهرست مشایخ، و زمان درگذشت آنها، می توان به آگاهیهایی جانبی به ویژه درباره مسیر سفرهای وی دست یافت.

دارمی در خراسان نزد استادانی همچون نصر بن شمیل (د ذیحجه ۲۰۳/ژوئن ۸۱۹) حدیث شنیده است. اما استماع او از برخی استادان خراسانی مانند نعیم بن حماد (د ۲۰۹ ق/۸۲۴ م) احتمالاً در محل مهاجرت وی، در عراق یا مصر صورت گرفته است. گویا در اواسط همان دهه راهی عراق شده، و پیش از ۲۰۶ ق/۸۲۱ م در آن دیار بوده است، و از محدثان در گذشته در ۲۰۶ ق عراق همچون بشر بن عمر زهرانی (با ۷ روایت در سنن، دارمی، ۳۵۰/۱، ۱۶۶/۲، جم)، وهب بن جریر (با ۲۴ روایت مستقیم از او در سنن، هو، ۷۹/۱، ۱۷۲، جم)، و یزید بن هارون واسطی (با بیش از ۱۸۰ روایت در سنن، هو، ۳۲/۱، ۶۲، جم) استماع کرده است. او در شهرهای مختلف عراق همچنین از کسانی چون جعفر بن عون کوفی (د ۲۰۷ ق)،

040114

DIA

DÂRİMÎ, Abdullah b. Abdurrahman

Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman

21.08.2017

Lucas, Scott C.

Divorce, hadīth-scholar style: from al-Dārimī to al-Tirmidhī .-- 2008 ISSN: 0955-2340 : Journal of Islamic Studies, vol. 19 iii pp. 325-368, (2008)

Hadīth ; Dārimī, 'Abd Allāh b. 'Abd al-Rahmān al-; Tirmidhī, Abū 'Īsā Muhammad al-

DARİMİ, Abdullah b. A. Rahman المعنى
Ebu Muhammed

HDS

الدارمي عبدالله بن عبد الرحمن

4/227

297.47
KAD. m

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

تصنيف ودراسة
الدكتور
محمد أبو الجيد غنغ البسيوني

بمبادرة جزافيا الرسائل العلمية
في الجامعات المصرية منذ إنشائها
حتى نهاية القرن العشرين
الادب العربي والجماعة والتقدم الأدبي

150- الشكل الدرامي الحديث ممثلاً في مسرحيات هارولد بترو وورشاد رشدي: دراسة
مقارنة/ ماري تيريز فلناؤوس / م - ج . القاهرة ، ك . الآداب ، ق . اللغة الإنجليزية
[. إنجيل بطرس سمعان] . Darimi Abdullah b. Abdurrahman ٧ .

١	ماجستير	د	دكتوراه	ج	جامعة
٢	كلية	ق	قسم	ش	شعبة
٣	إشراف	س	ميدانية	ح	مخرجة

- القاهرة ت
الطبعة الأولى
١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م

25 SUBAT 1991

Darimi

Ahmet Yıldırım

Darimi ve Sunesi

Bursa Medeniyets. Yılı. Lis. Tezi

Devam ediyor (1989)

1990 . Ter Bitti

30 EYLÜL 1996

- الإمام الدارمي وجهوده في الحديث
محمد عبد اللطيف عريضة؛ إشراف موسى شاهين لاشين ..؟

١٣٩٧ هـ ، ٨٩٥ ورقة .. (دكتوراه)

Darimi Abdullah b. Abdurrahman

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

21 SUBAT 1992

DARİMİ ABDULLAH b. ABDURRAHMAN
88-965922

Dimashqiyah, 'Abd al-Rahmān.
(Tartīb aḥādīth wa-āthār Sunan al-
Dārimī)
ترتيب أحاديث وأثر سنن الدارمي /
تأليف محمد الرحمن دمعقبة، ميرفت
شاخوري - الطبعة 1. - الرياض، المملكة
العربية السعودية: مكتبة الرشد، 1987.
139 p.; 24 cm.
Includes bibliographical
references.
\$6.00 (U.S.)
Dārimī, 'Abd Allāh ibn 'Abd al-Rahmān,
797-869. Sunan--Indexes.
A.P.-Islam.

ilim dalı : HDS

madde : Darimi Abdullah

A. Br. : c. , s. 02 KASIM 1991

B. L. : c. VI , s. 2832

F. A. : c. , s.

M. L. : c. III , s. 402

T. A. : c. , s.

ed- Darimi, Ebu Muhammed

ibn Taymiyye, Meimiu Fetava,
c-II, s. 4

31 AGUSTOS 1992

2342. Ben Cheneb, Mohammed. 'Al-Darimi'. In: SEI; p. 70.
A short biography of one of the earliest Muhaddithun, Abu Muhammad
Abd Allah ibn Abd ar-Rahman ibn al-Fadl ibn Bahram ibn Abd as-Samad
at-Tamimi ad-Darimi (181-255/798-869); the most famous Hadith collection
is al-Musnad.

DARİMİ ABDULLAH b.
ABDURRAHMAN

88-962976

16 ARALIK 1991

Dārimī, 'Abd Allāh ibn 'Abd al-Rahmān, 797-869. (Sunan al-Dārimī) سنن الدارمي / عبد الله بن عبد الرحمن الدارمي السمرقندي ؛ حققه خالد السبع الطمبي. - الطبعة 1. - بيروت، لبنان : دار الكتاب العربي، 1987.

2 v. ; 24 cm.
Title page partially vocalized.
Includes bibliographical references.
\$32.00 (U.S.)
1. Hadith (collections)
L&S-Islam.

Darīmī, 'Abd al-'Azīz ibn Aḥmad search under
Dirīnī, 'Abd al-'Azīz ibn Aḥmad, d. 1297 or 8.

DARIMI, ABDULLAH b. ABDURRAHMAN

89-962731

27 MAYIS 1993

DARIMI, Abdullah b. Abdurrahman 89-962731

Rifā'ī, Aḥmad 'Abd al-Qādir. (Fihris aḥādīth wa-āthār Sunan al-Dārimī, lil-inām Abū [i.e. Abī] Muḥammad 'Abd Allāh ibn 'Abd al-Rahmān ibn al-Faḍl ibn Bahrām al-Dārimī, al-mutawaffā sanat 256 H) فهرس احاديث واثار سنن الدارمي، لإمام أبو (i.e. i.e.) محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام الدارمي، المتوفى سنة 256 هـ : مرتباً على حروف المعجم والمسانيد / أعداد أحمد عبد (Continued on next card)

89-962731

Rifā'ī, Aḥmad 'Abd al-Qādir. (Fihris aḥādīth ... Card 2) الفهارس الرفاعي. - الطبعة 1. - بيروت : إعلام الكتب، 1988.

604 p. ; 24 cm.
Title page vocalized.
Bibliography: p. 32-33.
\$20.00
Dārimī, 'Abd Allāh ibn 'Abd al-Rahmān, 797-869. Sunan--Indexes.
L&S-Islamic law.

23 HAZIRAN 1993

2002

(181478) - es-SUNEN (Darimi'nin) (040114) DARIMI, Abdullah b. Abdurrahman - İstenmiş!

Darimi ve sünen'i. YILDIRIM, Ahmet. Bil. Uz. Uludağ Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Bursa, 1990. 89s.
Danışman: Doç. Dr. Mehmet Ali Sönmez.

9365
İl. Fak.

040114 DARIMI, Abdullah b. Abdurrahman
181478 es-SUNEN (Darimi'nin) 8782769

DARİMİ ((Abd Allah ابن عبد الرحمن) أبو محمد عبد الله)
ibn 'Abd al-Rahmān al-)

- سنن الدارمي تاليف... أبي محمد عبد الرحمن الدارمي...
الدارمي... تخرجه الدارمي وتصحيحه وتحقيقه... للسيد عبد
الله هاشم ياني المدني...
- Le Caire, Dār al-mahāsin li al-ṭibā'a, 1382-1966. - 2 t. en 1 vol., in-8° (23cm), 772 p. [Acq. 2217-69] [8° O²g. 2124
(Sunan al-Dārimī [sic]. Ed. par 'Abd Allah Ḥāsim Yamānī al-Madanī...
Silsilat maḥabib' al-kurub al-sunna al-nabawīya. 7.)

[54]

DARİMİ (Abd Allāh b. Abd al-Rahmān al-) (عبد الله بن عبد الرحمن) الدارمي
سنن الدارمي وهو الروايات الكبرى التي رواها عبد الله بن عبد الرحمن...
المجلد الأول [الثاني]. طبع بعناية محمد أحمد دهمان
- [Damascus], Dār Iḥyā' al-Sunna al-Nabawīya, 1982. 2 t. en 1 vol. in-8°, pag. mult. [AAA. III 5202]
(Sunan al-Dārimī.)
Dahmān (Muḥammad Aḥmad) Ed. 217.4
A.138231

21 NISAN 1993

MADDE YATIRILDIKTAN
SONRA GİZLİ DÖNÜŞÜM

of justice seem to have been built until modern times, when the Western Palace of Justice was introduced in most Islamic countries and was given a similar name, *qaṣr al-ʿadl*.

BIBLIOGRAPHY

SOURCES

Abū Shāma, *Kitāb al-rawḍatayn fī akhbār al-dawlatayn al-Nūrīyya wa-l-Salāhiyya*, 2 vols., Cairo 1287–8/1870–1; *Description de l'Égypte, état moderne. Planches*, vol. 1, Paris 1809, plate 26 (map of Cairo, with the citadel), plates 70–2 (views, sections, and elevations of the Great Īwān); Abū Yaʿlā al-Farrāʾ, *al-Aḥkām al-sulṭāniyya*, ed. Muḥammad Ḥāmid al-Fiḡqī, Cairo 1966; Ibn al-Athīr, *al-Taʾrīkh al-bāhir fī l-Dawla al-Atābikiyya fī l-Mawṣil*, ed. ʿAbd al-Qādir Aḥmad Ṭalimāt, Cairo 1963; Ibn Kathīr, *al-Bidāya wa-l-nihāya fī l-taʾrīkh*, 14 vols., Cairo 1932–9; ʿIzz al-Dīn Ibn Shaddād, *al-Aʿlāq al-khaṣira fī dhikr umaraʾ al-Shām wa-l-Jazīra*, ed. Dominique Sourdel, Damascus 1953; al-Māwardī, *al-Aḥkām al-sulṭāniyya*, Cairo 1909; Niẓām al-Mulḡ, *Siyāsāt-nāma*, trans. al-Sayyid al-ʿIzzāwī, Cairo 1976; Šibt Ibn al-Jawzī, *Mīrʾāt al-zamān fī taʾrīkh al-aʿyān*, vol. 8/1 (Hyderabad, 1952).

STUDIES

William M. Brinner, Dār al-Saʿāda and Dār al-ʿAdl in Mamluk Damascus, in Myriam Rosen-Ayalon (ed.), *Studies in memory of Gaston Wiet* (Jerusalem 1977), 243–44; Nikita Élisseeff, *Nūr ad-Dīn. Un grand prince musulman de Syrie au temps des Croisades (511–569h./1118–1174)*, 3 vols., Damascus 1967; Jørgen S. Nielsen, *Secular justice in an Islamic state. Mazālim under the Bahrī Mamlūks, 662/1264–789/1387*, Leiden 1985.

NASSER RABBAT

al-Dārimī

Abū Muḥammad ʿAbdallāh b. ʿAbd al-Raḥmān **al-Dārimī** (b. 181/797, d. in Dhū al-Ḥijja 255/November 869 or 250/864–5) was a leading scholar of the

Sunnī movement in Khurāsān. Of Arab ancestry and a native of Samarqand, he travelled throughout the Middle East in search of knowledge, voyaging to Egypt, the Hijaz, Syria, and Iraq. He studied with and heard *ḥadīths* from the greatest Sunnī scholars of his day: Yazīd b. Hārūn (d. 206/821), Abū ʿAṣim al-Nabīl (d. 212/827), and Muḥammad b. Yūsuf al-Firyābī (212/827) were among his major sources. He also transmitted *ḥadīths* from Khalīfa b. al-Khayyāṭ (d. 240/854), Ishāq b. Rāhawayh (d. 238/853), and ʿAbdallāh b. al-Zubayr al-Ḥumaydī (d. 219/834). It was reported (al-Dhahabī) that the local ruler of Samarqand requested that al-Dārimī serve as a judge in the city. After refusing repeatedly, al-Dārimī finally succumbed to the sultan's pressure and adjudicated one case before resigning.

Al-Dārimī was greatly respected by the Sunnī scholarly community that moved between the cities of Iraq and Khurāsān. Scholars such as Ibn Ḥanbal (d. 241/855) considered him one of the pillars of *ḥadīth* study in Khurāsān. He was an important source for al-Tirmidhī (d. 279/892) in his famous *Jāmiʿ*, which cites al-Dārimī as one of the author's major instructors in the science of *ḥadīth* criticism. Muslim b. al-Ḥajjāj (d. 261/875) and Abū Dāwūd al-Sijistānī (d. 275/889) also narrated *ḥadīths* from al-Dārimī in their respected collections, and the famous al-Bukhārī (d. 256/870) was even moved to compose an elegiac stanza upon hearing the news of al-Dārimī's death.

Al-Dārimī wrote several *ḥadīth* works, including a *tafsīr* (exegesis, now lost) and a collection of *ḥadīths* having only three intermediaries to the Prophet (*Thulāthiyāt*, MS Rabat, al-Khizāna al-ʿĀmma). He also wrote a *Sunan* (published numerous times), which is sometimes referred as his *Musnad* or *Jāmiʿ*. Although Muslim schol-

عبدالله بن عبد الرحمن

المتوفى سنة ١١٤ هـ . و « لغة القرآن » و
« مسائل نافع بن الأزرق » المتوفى سنة ٦٥ هـ ،
وهي عبارة عن أسئلة زعيم الخوارج
عن معنى أكثر من مائتي كلمة صعبة في
القرآن ، وجهها إلى ابن عباس ، فأجاب
عنها ووضحها بشواهد من الشعر
القديم (١) .

[١٨١ - ٢٥٥ هـ]
[٧٩٧ - ٨٦٩ م]

الدَّارِمِي

عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن
بهرام بن عبد الصمد التميمي الدارمي
السمرقندي ، أبو محمد : محدث ، حافظ ،
مفسر ، فقيه . سمع بالحجاز والشام
ومصر والعراق وخراسان ، وحدث عن
يزيد بن هارون وخلق كثير ، وحدث
عنه مسلم والترمذي وأبو داود وبقي بن

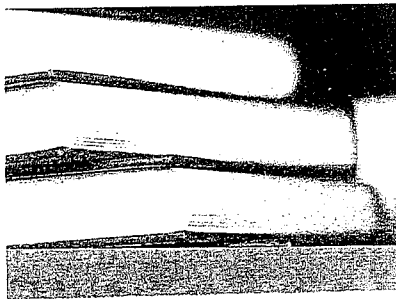
(١) نكت الهيمان ١٨٠ وحلية الأولياء ١ : ٣١٤
والمحبر ٣٨٩ وذيل المذيل ٢١ وتذكرة الحفاظ ٤٠
وخلاصة تهذيب الكمال ١٧٢ والعبر ١ : ٧٦ وصفة
الصفوة ١ : ٣١٤ والنجوم الزاهرة ١ : ١٨٢ والإصابة
ترجمة ٤٧٧٢ وتاريخ بغداد ١ : ١٧٣ وطبقات القراء
للذهبي ١ : ٤١ وأعيان الشيعة ٤١ : ٣ وشذرات
الذهب ١ : ٥٧ وطبقات المفسرين للداودي ١ : ٢٣٢
والأعلام ٤ : ٢٢٩ وتاريخ التراث العربي ١ : ١٧٩
والطبقات الكبرى ١١ : ٣٦٥ وتاريخ الخميس ١ :
١٦٧ وطبقات الشيرازي ١٨ وتنقيح المقال ٢ : ١٩١
ومنهج المقال ٢٠٦ ومنتهى المقال ١٨٦ وتهذيب التهذيب
٥ : ٢٧٦ والتفسير والمفسرون ١ : ٦٥ .

الجدل العقدي عند الإمام الدارمي

أ. ياسر بن مطر المطرفي
أكاديمي بجامعة الملك عبدالعزيز

بحوثه :

- أثر الاتجاه العقدي في علم التفسير - دراسة نظرية ودراسة تطبيقية على الاتجاه الفلسفي - (رسالة ماجستير)
- الإشراف والتحرير لكتاب (التشيع في أفريقيا - تقرير ميداني) المقدم لاتحاد علماء المسلمين
- له العديد من المقالات المنشورة في بعض المجالات ومواقع الإنترنت



Mecelle't-Te'sil, senet, sy. 2, 1431 / 2010 Cild, s. 215-238.

(030136) Ledel

(040114) Dar'imi Abd. b. Abd.

01 Ocak 2016



MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

040114

DÂRİMÎ, Abdullah b. Abdurrahman

-
- 1 SADETTİN YÜCE, Dârimî ve Buhârî'nin rikâk bölümlerinin tahlili, Sakarya Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2010

(181هـ/797م - 255هـ/869م)

أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل ابن بهرام بن عبد الصمد التميمي، الدارمي، السمرقندي.

من كبار أساتذة الحديث وأركانته في الربع الثاني من القرن الثالث الهجري، تخرّجت عليه مشيخة الحديث للطبقة التي تلتها، واشتهر بكفائه «السنن»، وله مشاركة قويّة في الفقه والتفسير. وهو الذي مكّن للسنّة في بلده، وحمل لواءها في تلك النواحي في عصره.

ولد بسمرقند ليلة قدوم عبد الله بن حميد إليها والياً عليها، وذلك في السنة التي مات فيها ابن المبارك، وهي سنة 181هـ، وسمي المترجم له على اسم هذا الوالي [النسفي، القند، 297] تيمناً.

يرجع أصله إلى دارم بن مالك بن حنظلة بن زيد مائة بن تميم [تاريخ بغداد، 29/10]. وليس في المصادر المتداولة ما يكشف عن الوضع الاجتماعي لعائلته، ولكننا نعلم أن خاله أبا محمود محمد بن معاوية قد شاركه في شيخه يزيد ابن هارون، وكان ممن يؤخذ عنه العلم [القند، ص 98].

وينسب ابن أخيه أبو أحمد الفضل بن محمد إلى طلبة الحديث، وله رواية [القند، ص 659]، وكذلك ابن أخته سعيد بن خلدّاش السمرقندي كان من أهل العلم واشترك مع خاله الدارمي في شيخه ظليم بن حطيظ الدبوسي [القند، ص 194].

لا نملك تفاصيل عن بداية رحلته، ولكن تواريخ وفيات كبار شيوخه من الطبقة الأولى تقتضي أنه شرع في أسفاره حوالي سنة 203هـ على أقصى

تقدير، وهو لم يتخط بعد الثانية والعشرين من عمره لأن أقدم شيوخه المعروفين وفاةً هو النضر ابن شميل المازني عالم مرو وقد مات في آخر يوم من السنة المذكورة [الذهبي، التذكرة، 1/315]. ويلزمه أن يكون قد دخل واسط قبل سنة 206هـ بمدة تتناسب مع إكثاره عن شيخه محدث هذه المدينة يزيد بن هارون الذي مات في هذه السنة هو وجعفر بن عون المخزومي الذي سمع منه الدارمي بالكوفة.

وصف بأنه أحد الرّحّالين في الحديث الموصوفين بحفظه وجمعه [الخطيب، تذكرة بغداد، 10/29]، تلقى عن شيوخ ما وراء النهر [القند، ص 216] وخراسان والحجاز [تذكرة الحفاظ، 2/534]، والشام، والعراق، ومصر [تاريخ بغداد، 29/10]. وجمع الكثير مع الفهم والإتقان حتّى صار ممّن يضرب به المثل في الحفظ والدراية [ابن حجر، تهذيب، 5/295]. ومما ساعده على التبحر في العلم وكثرة الرواية وحسن المعرفة: تميّزه بقوة الذاكرة والقدرة الفائقة على الاستيعاب، وقد قال عن نفسه: ما استودعت قلبي شيئاً فخانني [القند، ص 297]، وتجواله الواسع في شرقي العالم الإسلامي من مصر إلى ما وراء النهر للقاء المشايخ، فحصل بذلك علماً كثيراً ومعرفة واسعة بروايات الأمصار، واجتهاده في الطلب ودأبه عليه وخصوص نيّته فيه.

بهذا صار بحراً في الحديث وذاع صيته في الآفاق، وأصبح العلماء يتسارعون إلى مجلسه أينما حلّ [القند، ص 297]، وكانوا ينوّهون بشأنه وينصحون الطلبة بالأخذ عنه ويفضّلون

السماع منه عن غيره، ويعملون برأيه في الرجال [تاريخ بغداد، 10/30-31]، ويفتخرون بكونهم حملوا عنه [الذهبي، السير، 10/173] ونوّله الجميع لعلمه وفضله في مصاف كبار أهل هذا الفن. وكلمة النقاد فيه واحدة؛ فضلاً وأمانة وإمامة وتقدّمًا في عصره وحفظاً ومعرفة وإتقاناً وعبادة وورعاً.

وصفه محمد بن إبراهيم بن منصور الشيرازي بأنّه كان على غاية من العقل والديانة ممن يضرب به المثل في الجلم والدراية والحفظ والعبادة والزهد، أظهر علم الحديث والآثار بسمرقند وذوّب عنها الكذب وكان مفسراً كاملاً وفقهياً عالمًا [ابن حجر، تهذيب، 5/295]. وقال فيه عثمان بن أبي شيبة: أمره أظهر ممّا يقولون من الحفظ والبصر وصيانة النفس، وزكّاه الخطيب لما تحلّى به من الحفظ والإتقان مع الثقة والصدق والورع والزهد [تاريخ بغداد، 10/29]. ومدحه ابن حبان بكونه من الحفاظ المتقنين وأهل الورع في الدين ممّن حفظ وجمع وتفقه وصنّف وحذّث [ابن حجر، تهذيب، 5/294].

ورد عليه كتاب القضاء من الخليفة العباسي المعزّ بالله [القند، ص 296] فتولّاه بسمرقند مكرها وقضى في قضية واحدة ثم استعفى فأعفى [تاريخ بغداد، 10/29]، وأمّحن في مسألة القول بخلق القرآن فلم يجب، وكان الإمام أحمد ينوّه بموقفه هذا ويقول إذا ذكره: ذلك السيّد عرض عليه الكفر فلم يقبل، وعرضت عليه الدنيا فلم يقبل [ابن رجب، شرح علل الترمذي، 1/497-498].

بلغت مشيخته في سنه المائتين وأربعين (240) نفساً، وأكثر من تخريج حديث ثلاثة منهم أولهم محمد بن يوسف بن واقد الضبي مولا هم الفريابي (120 - 212هـ) وهو من شيوخ البخاري في صحيحه، وحديثه في الكتب السنّة. ويليه يزيد بن هارون بن زاذان أبو خالد الواسطي (ت 206هـ)

أخرج له الجماعة وشارك فيه الدارمي أحمد بن حنبل، وابن المديني، وأبا بكر بن أبي شيبة، والجوزجاني، وعبد بن حميد، والهارث بن أبي أسامة. ثمّ الفضل بن دكين أبو نعيم الملائي (130 - 218) وهو من كبار شيوخ البخاري ورواياته في الكتب السنّة.

ومن شيوخه من هم من أصحاب المصنفات الحديثية السائرة كأبي بكر عبد الله الحميدي (ت 219هـ)، وسعيد بن منصور الخراساني (ت 227هـ)، وأبي بكر بن أبي شيبة (ت 235هـ)، وأبي عبد القاسم بن سلام (ت 224هـ)، ومنهم من النقاد الجهابذة عمرو بن علي الفلاس (ت 249هـ)، وعلي بن المديني (ت 234هـ)، ومحمد بن عبد الله بن نمير (ت 234هـ)، وأعلام طبقة النضر بن شميل، وجعفر بن عون، ويعلي بن عبيد الطنافسي، وبشر بن عمر الزهراني، ويتنزل في الرواية حتّى يأخذ عن خليفة ابن خياط العصفري (ت 240هـ)، ومخلد بن مالك الرازي (ت 241هـ).

أمّا تلاميذه فهم في كلّ الأمصار التي دخلها، وفيهم الكبار المشاهير الذين أسهموا من الباب الواسع في تكوين المكتبة الحديثية وكانوا جهابذة عصرهم. ومنهم: مسلم بن الحجاج، وأبو داود السجستاني، والترمذي، والنسائي، وعبد الله بن أحمد بن حنبل، وأبو زرعة الرازي، وأبو حاتم الرازي، وبقي بن مخلد القرطبي، وعبد بن حميد، ومحمد بن يحيى الذهلي وهو أكبر منه، وصالح بن محمد جزرة، والإمام محمد بن إسماعيل البخاري في غير الجامع الصحيح. وأورد النسفي طائفة من تلاميذه السمرقنديين خاصة لم يذكرهم المزي، والذهبي، وابن حجر في ترجمته [القند، ص 46، 90، 106، 123، 150، 169، 174، 189، 194 - 195، 200، 207، 243، 259، 276، 296 - 297، 300، 315 - 316، 323، 449،

دارمی، عبدالله

۷۶۱

Journal of the American Oriental Society, vol 82, no. 3 (Jul.-Sept. 1962); *Efr.*, s. v. "Darmesteter" (by Mary Boyce and D. N. MacKenzie); *James Darmesteter memorial lectures*, ed. G. Lazard and D. R. SarDesai, Bombay: The Asiatic Society of Bombay, 1994; Gilbert Lazard, "James Darmesteter: his life and works", in *ibid*; Josephine Lazarus, "[Review of] Selected essays of James Darmesteter", *International journal of ethics*, vol. 6, no. 2 (Jan. 1896); Pierre Lecoq, "Darmesteter and the study of modern Iranian languages", in *James Darmesteter memorial lectures*, *ibid*; F. Max Müller, "James Darmesteter and his studies in Zend literature", *The Jewish quarterly review*, vol. 7, no. 2 (Jan. 1895); *Le Zend-Avesta*, traduction nouvelle avec commentaire historique et philologique par James Darmesteter, Paris: Librairie d'Amérique et d'Orient Adrien-Maisonneuve, 1960.

/عسکر بهرامی /

دارمی، عبدالله بن عبدالرحمان، کنیه‌اش ابومحمد، محدث قرن سوم و صاحب مَسند. نسبش به دارم بن مالک بن حنظله بن زیده مناذبن تمیم می‌رسد، اما احتمالاً این انتساب تنها از جهت ولاء بوده که در آن روزگار تداول زیادی داشته است. عربی تبار بودن او صحیح نیست و در اصل ایرانی تبار است (ع خطیب بغدادی، ج ۱۱، ص ۲۰۹؛ ذهبی، ۱۴۰۱-۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۲۴). به گفته خودش در سال وفات عبدالله بن مبارک، یعنی ۱۸۱، در سمرقند متولد شده است (ع خطیب بغدادی، ج ۱۱، ص ۲۱۱؛ ذهبی، ۱۴۰۱-۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۲۸). از خانواده او اطلاع چندانی در دست نیست. او نیز در آثارش از پدر خود چیزی نقل نکرده که نشان می‌دهد پدرش در دانش حدیث تخصصی نداشته و شاید در زمره عالمان نیز نبوده است. دارمی تحصیلات خود را در سمرقند آغاز کرد و برای بهره‌گیری از استادان متبحر به مراکز علمی در مشرق و مرکز جهان اسلام سفر کرد. او از شهرهای خراسان و ماوراءالنهر به بلخ، بخارا، مرو و هرات سفر کرد. از ری نیز دیدن کرد و در عراق از عالمان بغداد، کوفه، بصره، مدائن، واسط و در حجاز از محدثان مکه و مدینه استفاده برد و به شهرهای مختلف جهان اسلام از جمله عراق، شام و مصر سفر کرد (ع سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۴۱؛ ذهبی، ۱۳۸۸-۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۳۵). خطیب بغدادی (ج ۱۱، ص ۲۰۹) او را از محدثان پرسفر دانسته

(درسدن^۱، ص ۳۹۹؛ مولر، ص ۱۷۸؛ نیز ← زند اوستا^۲، ج ۳، مقدمه دارمستتر، ص LXXVII، LVI-L؛ درسدن، ص ۴۰۰). در ۱۸۸۷/۱۳۰۴ کتاب دیگری از دارمستتر با عنوان بنیاد شعر فارسی^۳ در پاریس منتشر شد که در سیزده فصل به این موضوعات پرداخته است: خاستگاه افسانه‌ای شعر فارسی، حیات دوباره شعر ملی در ایران؛ شعر در دوره طاهریان؛ شکوفایی شعر فارسی در دوره سامانیان؛ رودکی و معاصرانش؛ شهید بلخی؛ دقیقی و شاهنامه؛ کسایی و شعر دینی؛ شعر فارسی در پایان دوره سامانیان و غزنویان؛ شعر غیردینی و شعر عرفانی؛ ابن سینا و شعر غیردینی؛ و ابوسعید و شعر عرفانی. ترجمه فارسی این کتاب را عبدالحسین زرین‌کوب در مجموعه دفتر ایام (تهران ۱۳۶۵ ش، ص ۲۲۸-۲۶۴) به چاپ رسانده است. دارمستتر نخستین کسی بود که درباره نامه تنسر، از مهم‌ترین منابع موجود برای تثبیت دین زردشتی به منزله دین رسمی در حکومت ساسانی، پژوهش کرد. او ابتدا در دیباچه جلد سوم برگردان فرانسوی اوستا فصلی از نامه تنسر را به چاپ رساند و در ۱۸۹۴ نسخه‌ای ویراسته از کل این متن را به همراه برگردان فرانسوی آن، همراه با یادداشتهایی، در «نشریه آسیایی»^۴ منتشر کرد (د. ایرانیکا، همانجا؛ کریستن سن^۵، ص ۶۳). مقدمه این نوشته را مجتبی کمره‌ای به فارسی برگردانده که در ناموازه دکتر محمود افشار (به کوشش ایرج افشار، تهران، ج ۵، ۱۳۶۸ ش، ص ۲۶۹۴-۲۷۱۰) چاپ شده است.

از دارمستتر چندین مقاله نیز در نشریات و مجموعه‌های مختلف به چاپ رسیده است (برای آگاهی از نوشته‌های دارمستتر ← مولر، ص ۱۹۳؛ «سخت‌رانی‌هایی در یادبود ژام دارمستتر»^۶، ص ۱۰۱-۱۰۶).

منابع: تاریخ تلفظ و صرف پشتو، اثر دارمستتر و دیگران، ترجمه روان فرهادی، کابل ۱۹۷۷؛ قاسم رشتیا، «دارمستتر و کتاب او»، آریانا، سال ۱، ش ۱ (دلو ۱۳۲۱)؛ طهمورث ساجدی، «ژام دارمستتر: ایران‌شناس فرانسوی»، نامه فرهنگستان، دوره ۹، ش ۴ (زمستان ۱۳۸۶)؛

Arthur Emanuel Christensen, *L'Iran sous les Sassanides*, Copenhagen 1944; James Darmesteter, *The Mahdi: past and present* [tr. Ada S. Ballin], New York 1885; *idem, Selected essays of James Darmesteter*, the translations from the French by Helen B. Jastrow, ed. Morris Jastrow, Boston 1895; M. J. Dresden, "[Review of] *Le Zend-Avesta*, traduction nouvelle avec commentaire historique et philologique par James Darmesteter",

1. Dersden

2. *Le Zend - Avesta*

3. *Les origines de la poésie persan*

4. *Journali asiatique*

5. Christensen

6. *James Darmesteter memorial lectures*

دانشنامه جهان اسلام، (ع ۱)، تهران ۱۳۹۰

18 item
100 number
15001

سُنَنِ الدَّارِمِيِّ

08 MAYIS 1991

الإمام الحافظ عبد الله بن عبد الرحمن الدارمي السمرقندي

(١٨١-١٨٠هـ / ٧٩٧-٨٦٩ م.)

Darimi, Abdullah b. Abdurrahman

(5-11)

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Enstitüsü	
Kayıt No. :	10809-1
Tasnif No. :	297.332 DAR-S

المجلد الأول

حَقَّقَ نَصَّهُ وَخَرَّجَ أَحَادِيثَهُ وَفَهَّمَهُ

خالد السبع العلي

فواز أحمد زمرلي

الناشر
دار الكتاب العربي

مقدمة التحقيق ترجمة الإمام الدارمي

اسمه ومولده: هو الإمام الحافظ شيخ الإسلام بسمرقند، أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبد الصمد التميمي الدارمي السمرقندي. كان مولده عام توفي ابن المبارك سنة إحدى وثمانين ومائة^(١).
نسبه: الدارمي: نسبة إلى دارم - بفتح الدال وكسر الراء - ابن مالك بطن كبير من تميم^(٢).

شيوخه: روى الإمام الحافظ الدارمي عن شيوخ كثيرين، والمطلع على سننه يدرك كثرة شيوخه، ومن هؤلاء^(٣):

- ١ - النضر بن شميل.
- ٢ - أبو النضر هاشم بن القاسم.
- ٣ - مروان بن محمد الطاطري.
- ٤ - يزيد بن هارون.
- ٥ - أشهل بن حاتم.
- ٦ - حبان بن هلال.
- ٧ - أسود بن عامر.
- ٨ - شاذان.

(١) تذكرة الحفاظ ٢/٥٣٤ - ٥٣٥، وتهذيب التهذيب ٥/٢٩٤.

(٢) الرسالة المستطرفة ص ٢٥.

(٣) التهذيب ٥/٢٩٤ - ٢٩٥، وتذكرة الحفاظ ٢/٥٣٥.

البرانيون الأدباء

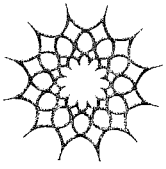
رجال علم الحديث

المجلد الثاني - القسم الأول

تأليف:

8116-3
922.97
ALI.1

قيس آل قيس



مؤسسة البحوث والتحقيقات الثقافية

تهران ١٣٦٣

بجمعه و حفظه والانتان له ، مع الثقة والصدق والورع والرهدة . استقضى على سمرقند فابى ، فالح عليه السلطان حتى تقلده ، وقضى قضية واحدة ، ثم استغنى فاعفى ، وكان على غايه العقل ، وفي نهاية الفضل ، يضرب به المثل فى الديانة والحلم والرزانة والاجتهاد والعبادة والتفقل والزهادة .

حدث عن عبدالله بن موسى ، ومحمد بن يوسف الفريابى ، ويعلى بن عبيد ، ويحيى بن حسان التنيسى ، وابى المغيرة الحمصى ، والحكم بن نافع البهرانى ، وعثمان بن عمر بن فارس ، وعبدالصمد بن عبدالوارث ، واحمد بن اسحاق الحضرمى واشهل بن حاتم ، وابى بكر الحنفى ، وزكريا بن عدى ، ومحمد بن المبارك الصورى ، وابى صالح كاتب الليث بن سعد ، وغيرهم . روى عنه بندان بن بشار ، ومحمد بن يحيى الذهلى ، ورجاء فى مرجى الحافظ . وقدم بغداد وحدث بها فروى عنه من اهلها صالح بسن محمد المعروف بجزرة ، ومحمد بن عبدوس بن كامل السراج .

قال ابو يعقوب اسحاق بن ابراهيم الوارق . اخبرنى عبدالصمد - يعنى ابن سليمان الإعرج البلخى - قال ، سألت احمد بن حنبل عن الحمانى فقال : تركناه بقول عبدالله بن عبدالرحمن ، لانه يعنى صاحب الترجمة امام .

قال اسحاق ، سمعت محمد بن المبارك السخرى ببغداد يقول : يا اهل خراسان مادام عبدالله بن عبدالرحمن بين اظهركم فلا تشتغلوا بغيره . وقال اسحاق ، سمعت عثمان بن ابى شيبة يقول : امر عبدالله بن عبدالرحمن اعظم من ذاك فيما يقولون ، من البصر والحفظ وصيانة النفس ، عافاه الله .

قال محمد بن عبدالله بن نمير : غلبنا عبدالله بن عبدالرحمن بالحفظ والورع . وكتب محمد نعيم عطاء " الحل المدلل على الدارمى " طبع فى لكنوسنة ١٣٢٢ هـ (النصف الاول منه) .

وفاته : توفى رحمه الله يوم التروية بعدالعصر سنة خمس وخمسين ومائتين (٢٥٥هـ) ودفن يوم عرفة وذلك فى يوم الجمعة ، وهو ابن خمس وسبعين سنة .

مصنفاته : خلف رحمه الله للمكتبة العربية والاسلامية مصنفات منها :

١ - المسند ، وهو فى الحديث ، ذكره له الذهبى فى تذكرة الحفاظ (ج ٢ ، ص ٥٣٥) ، ودول الاسلام (ج ١ ، ص ١٥٢) ، والياضى فى مرآة الجنان (ج ٢ ، ص ١٦١) ، والخطيب البغدادى فى تاريخ بغداد (ج ١٥ ، ص ٢٩) ، وحاجى خليفة

عبدالله الدارمى السمرقندى

(١٨١ - ٢٥٥ هـ)

هو الامام الحافظ ابو محمد ، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبدالصمد السمرقندى ، شيخ الاسلام بمدينة سمرقند ببلاد فارس ، وشيخ مسلم و ابى داود والترمذى .

قال الذهبى فى تذكرة الحفاظ : " مولده سنة احدى وثمانين ومائة . سمع النضر بن شميل ، ويزيد بن هارون ، وسعيد بن عامر الضبعى ، وجعفر بن عون ، ويزيد بن يحيى بن عبيد الدمشقى ، وهب بن جرير ، وطبقتهم بالحرمين وخراسان والشام والعراق ومصر .

حدث عنه مسلم ، وابو داود ، والترمذى ، ومطين (٧٦) ، وجعفر بن محمد الفريابى . وعمر بن بجير ، والنسائى خارج سننه ، وحفص بن احمد بن فارس الاصبهانى ، وعبدالله بن احمد بن حنبل ، وعيسى بن عمر السمرقندى ، وآخرون . قال ابو حاتم : ثقة صدوق . وقال ابن ابى حاتم . سمعت ابى يقول : عبدالله بن عبدالرحمن امام اهل زمانه .

وعن احمد بن حنبل - وذكر الدارمى فقال : عرضت عليه الدنيا فلم يقبل . وقال رجاء ابن مرجى : رايت الشاذكونى وابن راهويه - وسمى جماعة - فما رايت احفظ من عبدالله الدارمى " .

وقال الخطيب فى تاريخ بغداد : " كان احد الرحالين فى الحديث ، والموصوفين

(٧٦) هو محمد بن عبدالله الحضرمى المعروف بـ (مطين) .

göstermektedir. Hiç şüphesiz bu yürüyüş ve mütevazı çabalar uluslararası bir kaynaşma ve dayanışmaya dönüşecektir.

Hadis Tetkikleri Dergisi'nin altıncı yılını tamamlarken de gerek Türkiye'den gerekse yurt dışından hadise dair önemli bilimsel ürünlerle ve etkinlik haberleriyle huzurlarımızdayız. *HTD*'nin makaleler bölümünde ilk olarak son yıllarda memnuniyet verici bir şekilde daha yoğun olarak ilgilenilen hadislerin anlaşılması ve yorumlanması konusuna dair bir makale ile karşımıza çıktık. Ardından Doğu'dan-Batı'dan iki meşhur düşünürün fikrî etkileşimine dair bir tetkike yer verdik. Bu sayımızda da bir kitap eleştirisi mahiyetinde bir tetkik bulunmaktadır. Ayrıca bu sayımızda Ürdün'den bir araştırmacının meşhur hadisçi ve tarihçi Zehebî bağlamında cerh ve ta'dil ilmine dair bir tetkiki ile rivayetlerin kaynağının tespitin'e dari birer makale da bulunmaktadır.

HTD'nin ikinci kısmında da ilgi çekici tetkikler yer almaktadır. Burada günümüz Alman şarkiyat geleneğine mensup Gregor Schoeler'den yapılan bir çeviri ile Türkiye'de birkaç milyondan fazla dağıtımı yapılmış DİB Hadis kartelâsına dair bir tetkik yer almaktadır. Metin tenkidine dair daha önce yayımladığımız bir makaleye dair tahlilin ardından Tahsin Görgün ile gerçekleştirdiğimiz ve ilginizi çekeceğini umduğumuz bir mülâkatı ilginize sunduk.

Bu sayımızda yurt içinde muhtelif illerde gerçekleştirilen hadise ve oryantizme dair ilmî toplantılardan üçüne yer verdik. Bunlardan biri bu yıl yedincisi düzenlenen Hadis Meclisi, diğerleri de, her ikisi de şair ve mütefekkir olan iki kişinin; İsmet Özel ve Hilmi Yavuz'un birer konferansı. Kitap tanıtımı bölümünde ise, birisi yayımlanmış, diğer yayımlanmamış iki doktora tezi tanıtımı ilgililerinize sunuldu. Bu sayımızın vefeyât bölümünde ise İslâm'a dair pek çok çalışması bulunan Majid Khadduri'yi yâd ettik. Son olarak, Hz. Peygamber'i gerçek kimliğiyle tanıtmak amacıyla www.sonpeygamber.info adresinden hizmet veren Meridyen Destek Derneği'nin elde ettiği Dünya çapındaki başarısına dair bir habere yer vererek sayımızı tamamladık.

HTD'nin bu sayısını da heyecanla ilgililerinize arz ederken, meslektaş ve okuyucularımızın akademik birikimlerini paylaşma hususundaki davetimizi yineleyerek, hadisçiler başta olmak üzere bütün akademisyenlerin birikimleriyle bizi desteklemelerini beklediğimizi bir kez daha ifade ediyoruz.

Aynı doyurucu içerikle birlikte bir sonraki sayımızda görüşmek dileğiyle...

Saygılarımızla...

İbrahim HATİBOĞLU

22 HAZ 2010

MAKALELERİNİN SONRA GELEN DOKÜMAN

D2588

-İbn Mâce

-Ebu Davud Sicisi.

-Darimi, Abdullah b. Abdurrahman

Cumhuriyet Dönemi Türkçe Hadis Şerhlerine Dair Bazı Mülâhazalar

-Ebû Dâvûd, İbn Mâce ve Dârimî Şerhleri Üzerine Bir Analiz-

“A Glance at the Commentaries of the Hadîth at the Period of Turkish Republic -An Analyses with Special Reference to the Commentaries on Abu Dâvûd, Ibn Mâceh and Dârimî-”

Erdoğan AHATLI, Yrd. Doç. Dr.*

Abstract: In contemporary Turkish religious literature there are many commentaries that were written on the Hadîth. In this article, three commentaries written after the establishment of the Turkish Republic, i.e. the commentary on Ibn Mâceh, the commentary on Abu Dâvûd and the commentary on Dârimî were taken as a subject matter. These three commentaries were examined according to their sources, and it was tried to show that whether they benefit from the classical hadîth commentaries, whether they have a different or original aspect, whether they relate the hadîth to the modern matters with respect to what the hadîth says to the present day, whether they contributed a new perspective on the hadîth commentaries.

Citation: Erdoğan Ahatlı, “Cumhuriyet Dönemi Türkçe Hadis Şerhlerine Dair Bazı Mülâhazalar -Ebû Dâvûd, İbn Mâce ve Dârimî Şerhleri Üzerine Bir Analiz-”, (in Turkish), *Hadis Tetkikleri Dergisi (HTD)*, VI/2, 2008, pp. 7-30.

Key Words: Hadîth, commentary, commentary of hadîth, Commnetary on Abu Dâvûd, Commentary on İbn Mâceh, Commentary on Dârimî.

I. Giriş

Hadislerin değişikliğe uğramadan korunup sonraki nesillere ulaştırılması ve onların doğru anlaşılması için gayret gösterilmesi, Saadet Asrı'ndan bu yana Müslüman âlimlerin faaliyet alanları içerisinde bulunan iki önemli konu olmaya devam etmiştir. İlk başlarda hadislerde geçen anlaşılması zor 'garib' kelimelerin açıklamalarına dair telif edilen eserlerle başlayan bu süreç,¹ zaman-

* Sakarya Üniversitesi İlahiyat Fakültesi, Hadis, eahatli@gmail.com

¹ Tasnif dönemi eserlerinden Buhârî'nin *el-Câmi'u's-sahih'i* ve Ebû Dâvûd'un *Süneni*'ne ilk şerh yazan ve kavramsal anlamda hadis şerhçiliğinin başlatıcısı sayılan Hattâbî (ö. 388/998) öncesi, hadislerin dil ve muhteva olarak açıklamalarına yer veren çalışmalar için bkz. Salih

- يسوق الحديث كما هو مذكور في «سنن الدارمي» ويبيّن غريب الفاظه، مستعيناً بكتاب «الفاثق» للزنجشري، و«النهاية» لابن الأثير.
 - ثم يترجم لرواة الإسناد، عارضاً ما قيل فيهم من جرح أو تعديل، معتمداً على رأي أئمة الجرح والتعديل.
 - إذا رأى أن الحافظ ابن حجر أو الحافظ الذهبي وثق راوياً اعتمد على توثيقها، وإن جرحاه أو أحدهما استأنس برأي غيرهما من علماء هذا الفن.
 - وفي آخر كل حديث ينقل ما قيل فيه من تصحيح أو تضعيف.
 - وبعد ذلك يستخلص الحكم على هذا الحديث. صحة، أو حسناً، أو ضعفاً؛ حسبما تبين له نتيجة الدراسة.
 - وقد تبين له نتيجة الدراسة ما يلي:
 - ١- إن عدد الأحاديث الصحيحة في زوائد الدارمي (٣٧) حديثاً.
 - ٢- الأحاديث الصحيحة لغيرها (٦) أحاديث.
 - ٣- الأحاديث الحسنة (٢٣) حديثاً.
 - ٤- الأحاديث الحسنة لغيرها (٩٣) حديثاً.
 - ٥- الأحاديث الضعيفة (٥٥) حديثاً.
 - ٦- الأحاديث الضعيفة إما متناً أو إسناداً (٢٨) حديثاً.
- وبذلك فإن مجموع الأحاديث التي تناولها في دراسته بلغت (٢٤٢) حديثاً. وتقع الرسالة في مجلدين، حيث بلغ عدد صفحاتها (٦٨٨) صفحة.

٧٤٤

٥٩٥١١٩

04 SUBAT 1993

- SÜNNEN-I DÂRİMÎ ٧٦ - ٣٨ - ٢
- KÜTÜB-I SİTTE
✓- DÂRİMÎ
- MERRÛ

اسم الرسالة : زوائد الدارمي على الكتب الستة من الأحاديث المرفوعة (ماجستير).
إعداد الطالب : سيف الرحمن مصطفى.
إشراف : الدكتور مصطفى أمين التازي.
تاريخ الرسالة : ١٣٩٧ هـ، ١٩٧٧ م.
مباحث الرسالة : خصص الباحث بحثه لدراسة الأحاديث التي رواها الدارمي على كتب الحديث الستة المعتمدة عند الأمة الإسلامية، وهي: صحيح البخاري، صحيح مسلم، سنن أبي داود، سنن النسائي، جامع الترمذي، سنن ابن ماجه. وقد جعل البحث قاصراً على ذكر الأحاديث المرفوعة التي زادها الإمام الدارمي على الكتب الستة، ويقصد بذلك دراسة كل حديث ورد عن صحابي لم يخرج به أحد أصحاب الكتب الستة من طريقه.

وقد سار الباحث في بحثه على النهج الذي سلكه الحافظ ابن حجر في مقدمة كتابه «المطالب العالية»، والذي نهجه الحافظ نور الدين الهيثمي في كتابه «مجمع الزوائد». أما الطريقة التي اتبعها في الحكم على الحديث وبيان درجته من الصحة، أو الحسن أو الضعف فهي:

Kap. 50
A-100

تخریج ثلاثیات
البخاری. الرمذی. ابن ماجه. الآری

ISBN	9035
Teerit	297.332
	SANIT

تألیف

•• عبدالحمید شانوچه ••

1910-1400

المکتب الاسلامی

Darims Abdullah b. Abdurrahman

BEADPE VAYTELANDENTAN
SONRA GELEN DOKUMAN

8 AGUSTOS 1995

Kopyası çekildi
A. Tünel

الشهادات

شهادات الأئمة
البحاري الترمذي الدارمي
ابن ماجه عبد بن حميد الكشي الطبراني

تحقيق
عبد رضا عبد الله
أحمد البرزة

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırma Merkezi	
Yayıncı	9306
Tasni	297,332 SÜL

دائرة أمون للتراث
دمشق - ص.ب: ٤٩٧١
بيروت - ص.ب: ١٣ ٥٣٧٨

١٩٨٧-١٤٠٧

Darim Abdullah b. Abdurrahman

MADEPT KAYVOLLENDIETAN
SONRA GELEN BOKURMAN
8 AGUSTOS 1995

ENK.
GAMZE

زوائد السنن

على الصحيحين

كسنة

في هذا الجامع أهديت سنن
« أبي داود، الترمذي، النسائي، ابن ماجه، الدارمي »
مع بيان الصحيح والضعيف منها

جمع وترتيب
صالح أحمد الشامي

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	61761
Tas. No:	297.334 ZEV.5

الجزء الأول

دار النفائس
الرياض

دار القام
دمشق

الطبعة الأولى

١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م

حقوق الطبع محفوظة

تطلب جميع كتبنا من:

دار القام - دمشق: ص ٤٥٢٣ - ت: ٢٢٢٩١٧٧
الدار الشامية - بيروت - ت: ٦٥٣٦٥٥ / ٦٥٣٦٦٦
ص ١١٣ / ٦٥٠١

توزع جميع كتبنا في السعودية عبر طريق

دار البشير - جدة: ٢١٤٦١ - ص ٢٨٩٥
ت: ٦٦٥٧٦٢١ / ٦٦٠٨٩٠٤

دار النفائس - الرياض - ٥٦٨٨١ - ص: ١١٥٦٤ - ت: ٤٧٨٤٤٩٧

MARUZ KUTUPHANESİ
DARUL BELDEN KUTUPHANESİ
6 NISAN 1999

DĀRĪM. [Voir TAMĪM].

AL-DĀRĪMĪ, 'ABD ALLĀH B. 'ABD AL-RAḤMĀN B. AL-FĀDL B. BAHRĀM B. 'ABD AL-SAMĀD, ABŪ MUḤAMMAD AL-SAMARQANDĪ des Banū Dārim b. Mālik, branche des Tamīm, traditionniste né en 181/797, mort en 255/869. Il voyagea pour recueillir des traditions auprès d'un certain nombre de savants en 'Irāk, Syrie et Égypte. Parmi ceux qui en transmirent sous son autorité, on compte Muslim b. al-Ḥadžidjādī et Abū 'Isā al-Tirmidhī. Al-Dārimī mena une vie simple, pieuse, consacrée à l'étude, et acquit de la notoriété par sa connaissance du *ḥadīth*, par la confiance qu'il inspirait, par sa sincérité et la solidité de son jugement. Après avoir refusé la charge de *ḥādī* de Samarcande qu'on lui offrait, il se rendit aux instances du gouvernement, mais ne remplit qu'une seule fois ses fonctions et obtint d'en être déchargé. Ses écrits traitent surtout du *ḥadīth*, mais on lui attribue également un commentaire du *Kur'ān*. Al-Khaṭīb al-Baghḍādī dit qu'il compila *al-Musnad* et *al-Djāmi'*, mais on peut se demander s'il ne s'agit pas de deux titres du même ouvrage. Son recueil de traditions est couramment appelé *al-Musnad* (éd. Kānpur 1293, Ḥaydarābād 1309, Dīhlī 1337, Damas 1349), mais ce terme ne lui convient que si on l'entend dans le sens plus large qui était courant à l'époque ancienne; il devrait s'appeler *al-Sunan*, car les matériaux sont classés selon les sujets. Cet ouvrage n'a pas été traité à égalité avec les six livres canoniques, mais Ibn Ḥadžar al-'Asḳalānī le considère comme supérieur aux *Sunan* d'Ibn Mādjā. Il est beaucoup plus court que n'importe lequel des six livres. Ḥādjidjī Khalīfa fait mention de trois autres ouvrages, dont deux sont extraits de son *Musnad*, mais il n'en reste rien.

Bibliographie: Ibn Abī Ḥātim, *Kitāb al-Djāmi' wa-l-ta'dīl*, Ḥaydarābād 1372/1953, II, 2, 99; *Ta'rīkh Baghdād*, X, 29-32; Sam'ānī, 218ab; Dhahabī, *Tadhkirat al-huffāz*, II, 105 sq.; Ibn Ḥadžar al-'Asḳalānī, *Tahdhīb al-tahdhīb*, V, 294-6; Ibn al-Ṣalāh, *Ulūm al-ḥadīth*, Alep 1350/1931, 42; Ibn al-'Imād, *Shadhārat* II, 130; Ḥādjidjī Khalīfa, éd. Flügel, II, 492, III, 628; V, 109 sq., 530, 539 sq.; Sarkis, *Dict. Encyc. de bibl. arabe*, Caire 1928-30, 857 sq.; Goldziher, *Muh. St.*, II, 258-60; M. Weisweiler, *Istanbuler Handschriften zur arabischen Traditionsliteratur* (Bibl. Islam., X, 1937), n° 50; Brockelmann, I, 171 sq., S I, 270. (J. ROBSON)

DĀRĪR, MUṢṬAFĀ, auteur turc du VII^e/XIV^e siècle. Sa vie est très mal connue. Il naquit aveugle (*ḍarīr*) à Erzurum où il fit ses études, puis il voyagea en Égypte, en Syrie et à Karaman. Ses ouvrages qui nous sont parvenus sont les suivants: — 1. *Tarājumāt al-Darīr*, traduction libre, élargie et entremêlée de nombreux passages en vers originaux, de la version de la *sira* d'Ibn Ishāq effectuée par Abū l-Ḥasan al-Bakrī al-Baṣrī (VI^e/XIII^e s.) et remplie d'histoires et de légendes empruntées à diverses sources; elle comprend cinq volumes. Ecrite sur l'ordre du sultan mamlūk d'Égypte al-Manṣūr 'Alā' al-dīn 'Alī, elle fut achevée en 790/1388 et présentée au sultan al-Ṣāliḥ Ṣalāh al-dīn Ḥādjidjī. Le chapitre sur la naissance du Prophète paraît avoir inspiré le développement correspondant du *Mawliā* de Sulaymān Ālebi (Ahmed Ateş, *Vesiletü'n-Necāt Mawliā*, Ankara 1954, 55-7). — 2. Traduction libre des *Futūḥ al-Shām* d'al-Wākidi relatant la conquête de la Syrie sous les califes Abū Bakr et 'Umar, achevée à Alep en 795/1393. — 3. Traduction des *Cent ḥadīths*. — 4. *Yāsuf u-Zulaykhā, maṭnawī* récemment découvert (Bibl. de l'Univ. d'Istanbul, n° 311,

862). Aucun de ces ouvrages n'a encore été édité. Darīr manifeste une remarquable maîtrise du *'arūd*; ses vers sont coulants et il atteint souvent à la poésie lyrique. Sa prose, agréable et simple, est l'un des meilleurs spécimens de l'ancien style narratif turc.

Bibliographie: *Istanbul Kütüphaneleri Tarih-Coğrafya Yazmaları Kataloqları*, Seri I, fasc. 1-9, Istanbul 1943-9, 305-7, 404-10; A. Bombaci, *Storia della letteratura turca*, Milan 1956, 227-8. (FAHİR İZ)

DĀRIYYA, village et point d'eau du Naḍīd (42° 56' N. et 24° 46' E.) sur la route de pèlerinage, Darb al-Sultānī, menant d'al-Baṣra à la Mekke (*Handbook*, II, 189). Le village était une halte très fréquentée par les pèlerins, car c'était là qu'aboutissait aussi la route venant d'al-Baḥrayn. D'après Ibn Bulayhid, le district de Dāriyya était un vaste territoire du Naḍīd célébré par les poètes à l'époque pré-islamique pour son eau douce et ses pâturages. Le fameux Ḥimā Dāriyya, qui faisait partie du district, tirerait son nom du village (Yākūt, III, 457). On hésite sur la date de création du *ḥimā*. Yākūt affirme que Dāriyya fut mise à part par Kulayb [q.v.], le héros légendaire de la guerre de Basūs, dont la tombe, selon des traditions conservées par les Tayyī, se trouve à l'intérieur des limites du *ḥimā* dans les montagnes d'al-Nīr. L'emplacement de ce tombeau était encore bien connu des Arabes au XV^e siècle, car al-Samhūdī, qui termina son ouvrage en 886/1481, rapporte qu'Adīwad b. Zāmil al-Djābrī, le seigneur d'al-Ḥasā et d'al-Ḳatīf (que l'auteur appelle Ra'īs Ahl Naḍīd), avait entendu parler du tombeau par les Arabes de la région et l'avait visité (al-Samhūdī, II, 227). Al-Bakrī, par contre, soutient que c'est 'Umar b. al-Khaṭṭāb qui fut le premier à réserver le Ḥimā Dāriyya à l'État pour les chameaux donnés en *ṣadaqa* ou pris au combat. L'affirmation d'al-Hamdānī (172, 24) selon laquelle le Ḥimā Dāriyya et le Ḥimā Kulayb sont distincts et séparés par les montagnes d'al-Nīr, que Yākūt lui-même reconnaît former un *ḥimā* indépendant, confirme al-Bakrī. Il est probable que Dāriyya était l'un des nombreux *ḥimās* de la *djāhiliyya* qui changèrent de nom par la suite (Ibn Bulayhid, III, 244). Le Ḥemmey sur la carte de Doughty est vraisemblablement une approximation du plus ancien Ḥimā Kulayb. D'après al-Ṭabarī (I, 1107) et Yākūt (II, 290), Dāriyya tire son nom de Dāriyya, la mère de Ḥulwān qui était le fils de 'Umrān et le petit-fils de Ḳuḍā'a. Al-Hamdānī dit que Dāriyya était la fille de Rabī'a b. Nizār.

Le *ḥimā* réservé par 'Umar s'étendait à l'origine sur 10 km. de part et d'autre du village de Dāriyya. Du fait de l'accroissement continu du bétail, qui atteignait le chiffre d'environ 40 000 têtes au temps de 'Uthmān, le *ḥimā* fut agrandi d'environ 16 km., au moins dans une direction (al-Bakrī, III, 860). Cette terre, qui était sous la surveillance des *amīrs* de Médine, fut cédée par le calife abbāsīde al-Mahdī, et l'on prétend qu'elle rapportait, comme propriété privée, un tribut annuel de 8 000 dirhams au début de l'époque abbāsīde. En ce temps-là, le pays était surtout habité par les Kilāb, contre lesquels Muḥammad avait envoyé des troupes en 6 et en 7/628-9. Dāriyya n'était pas à l'abri des luttes, car al-Ahwāzī mentionne qu'al-Rabī'a, *ḥimā* et étape de pèlerinage voisine, fut détruite en 319/931 du fait de l'état de guerre perpétuelle entre sa population et celle de Dāriyya.

De nos jours, contournée par des routes modernes, Dāriyya n'est plus qu'une pauvre agglomération avec une vingtaine de puits, quelques palmiers dispersés,

Darimi Abdullah b.

الدارمى

(١٨١ - ٢٥٥ هـ = ٧٩٧ - ٨٦٩ م)

الرحمن بن حميد، والبخارى، وأبو زرعة، وأبو حاتم، ويعقوب بن شيبه، ومسلم، وأبو داود، وغيرهم. وقد برع الإمام الدارمى فى علم الحديث حتى بزَّ أقرانه، وألَّف «التفسير» و«الجامع» و«المسند» وهو المسمى بالسُنن. وكان أحد الحفاظ الرِّحَالين الذين شهد لهم العلماء بالحفظ والإتقان والدفاع عن السنة النبوية. قال فيه محمد بن إبراهيم ابن منصور الشيرازى: «كان على غاية من العقل والديانة، ممن يضرب به المثل فى الحكم والدراية والحفظ والعبادة والزهد، أظهر علم الحديث والآثار بسمرقند، وذنب عنها الكذب، وكان مفسراً كاملاً وفقياً عالماً».

سمع الدارمى: النضر بن شميل، ويزيد بن هارون، وسعيد بن عامر الضبعى، وجعفر بن عون، ويحيى بن حسان، وأبا نعيم، ووهب بن جرير وطبقتهم بالحرمين وخراسان والشام والعراق ومصر.

ومن تلاميذه الذين رووا عنه: مسلم، وأبو

هو الإمام عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبد الصمد التميمى، أبو محمد السمرقندى الحافظ الدارمى.

ولد سنة ١٨١ هـ الموافق ٧٩٧ م، وقد عاش أربعاً وسبعين سنة، حفلت بعظائم الأمور، وبالأعمال العلمية المباركة، وتوفى بعد عصر يوم التروية الثامن من ذى الحجة سنة خمس وخمسين ومائتين (٢٥٥ هـ)، ودفن فى اليوم الثانى يوم عرفة فى بلدة «مرو».

عرف منذ نشأته بالثقة والصدق والورع والذكاء، كما كان يضرب به المثل فى الديانة والعلم والاجتهاد والعبادة، قال فيه أبو حاتم: «ثقة صدوق وعرف بالزهد»، قال عنه الإمام أحمد بن حنبل: «عرضت عليه الدنيا فلم يقبل».

ذكره الحافظ الذهبى فى «تذكرة الحفاظ» من الطبقة التاسعة التى ذكر فيها الأئمة، وهم: الذهلى، ومحمد بن مسلم، وعبد

نجم عبدالرحمن خلف استدرافات على تاريخ التراث العربي: قسم علم

ISAM 090257 .

الحديث، الجزء الرابع، جدة 1422، ص.

ب - ٣٥٢ - ثلاثيات الدارمي *DARIMI, Abdullah*

اختيار: عيسى بن عمر بن العباس السمرقندي *Abdurrahman b.*

ذكره د. سزكين، وساق له نسختين^(٣)، وهناك نسخة ثالثة محفوظة في دار

الكتب المصرية رقم (٩٣ حديث تيمور) في (١٠٥) صفحات كتبت بخط قديم،

وهي مخرومة الآخر^(٤).

• نسخة أخرى محفوظة في الدار المذكورة، رقم (٥٧٩ حديث تيمور) في (٤)

صفحات، كتبت بخط حسن وفي أواها إجازة بخط الإمام مرتضى الزبيدي^(١).

ج - ٣٥٣ - الحديث المسلسل لسورة الصف من «مسند الدارمي» *

• منه نسخة محفوظة في دار الكتب الظاهرية بدمشق، في (٤) ورقات.

• وعنها صورة محفوظة في الجامعة الإسلامية بالمدينة، رقم (١٠١١).

٣٥٤ - (٢) - السنة *

ذكره البغدادي^(٢).

(٤) انظر: «فهرس المكتبة التيمورية»: ٢٧٤/٢.

(١) انظر: «فهرس المكتبة التيمورية»: ٢٧٤/٢.

(٢) انظر: «هدية العارفين»: ٤٤١/١.

ذخائر التراث العربية الإسلامية, مج. الأول, ١٩٨١/١٤٠١.
ISAM 95809. 508. [y.y : y.y], ص.

٩٢ EKIM 2005

الدارمي - Darimi, Abdullah b. Abdurrahman
(الامام الحافظ) ابو محمد عبدالله بن عبد الرحمن (٢٥٥هـ)

- ١ - سنن الدارمي (= الجامع الصحيح)
- كانبور ، ١٢٩٣هـ = ١٨٧٦م . ٤٤٧ ص + ٢٠ ص .
- بمثابة : محمد احمد دلمان
القاهرة ، مطبعة الاعتدال ، دار حياة السنة النبوية ، ١٣٤٦م - ١٩٣٠م .

الدَّارِمِيُّ
(- ١٨١ هـ / ٧٩٧ م)
(هـ ٢٥٥ / ٨٦٩ م)

عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بَهْرَام ، التميمي الدارمي السمرقندي ، أبو محمد ، من حفاظ الحديث .

رحل في طلب العلم ، وسمع الحديث بالحرمين والشام ومصر والعراق وخراسان من كثيرين ، وحدث عنه الإمام مسلم وأبو داود والترمذي والبخاري في غير الصحيح .
وكان إمام زمانه ، وشيخ الإسلام بسمرقند ، واستقضى على سمرقند فقضى قضية واحدة ، واستعفى فاعفى ، وكان عاقلاً ، فاضلاً ، مفسراً ، فقيهاً ، أظهر السنة بسمرقند ، ودعا إليها ويضرب به المثل في الديانة والحلم والاجتهاد والعبادة والتقليل ، توفي بمرور .
من كتبه « المسند » في الحديث ، وطبع باسم « السنن » لأنه مرتب على الأبواب ، وليس على الرجال ، لكنه اشتهر باسم المسند ، ويطلق بعض المحدثين عليه « الصحيح » وله كتاب « التفسير » و« الجامع الصحيح » (١) .

(١) تذكرة الحفاظ ٢/٥٣٤ ، الرسالة المستطرفة ص ٣٢ ، الخلاصة ٢/٧٤ ، سنن الدارمي المقدمة ص ١٠ د ، طبقات المفسرين ١/٢٣٥ ، الأعلام ٤/٢٣٠ .

محمد الزحيلي، مرجع العلوم الإسلامية: تعريفها، تاريخها، أئمتها،
علمائها، مصادرهما، كتبها، دمشق (د.ت.د.)، ص. ISAM 95800

سَنَنُ الدَّارِمِيِّ

للإمام أبي محمد عبد الله بن عبد الرحمن الدارمي (٢٥٥ هـ - ٨٦٩ م) وهو كتاب في الحديث ، رتبته الدارمي على أبواب الفقه ، وفيه أحاديث غير متعلقة بالفقه ، ويعرف هذا الكتاب بمسند الدارمي ، مع أنه ليس مرتباً على أسماء الصحابة ، بل على الأبواب ، وللمؤلف كتاب آخر باسم «المسند» ، وسماه بعض المحدثين بالصحيح ، وفيه أسانيد عالية وثلاثيات ، وثلاثياته أكثر من ثلاثيات البخاري وهي الأسانيد التي تصل الحديث من المؤلف إلى النبي ﷺ بثلاثة رواة فقط .

وقد اعتبر بعض العلماء هذا الكتاب سادس الكتب المصنفة في الحديث بدلاً من سنن ابن ماجه ، لأن سنن الدارمي أحسن من ابن ماجه صحة ، ومؤلفة أقدم زماناً ، وأكثر فضلاً ورجال رواته أقل ، ورجال ربايعاته أكثر ، وإن وجود الأحاديث المتكررة والشاذة نادرة فيه ، وإنه قليل الرجال الضعفاء .

وفي سنن الدارمي أحاديث مرسلّة وموقوفة ، وهو صغير بالنسبة لباقي الكتب الستة ويصل إلى ثلثها ، ويقع في جزأين ، وحاول المؤلف أن يخدم الفقه فذكر في كل باب إشارات عملية إلى مصادر الاستنباط الفقهي وطرقه ، لكنه اضطرب ، ولم يسر على وتيرة واحدة ، كما اهتم في كل حديث بالبحث عن ثقة إسناده ، وتعديل رجاله .
ونشر الكتاب في دار إحياء السنة النبوية ، بعناية محمد أحمد دهمان في جزأين (١) .

(١) تاريخ الأدب العربي ١٩٩/٣ ، الرسالة المستطرفة ص ٣٢ ، ٧٤ ، سنن الدارمي ، المقدمة ١/د ، الأعلام ٢٣٠/٤ .

13 EKİM 2006

Darimi Abdullah b. Abdurrahman
2010 - عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبد

الضمد أبو محمد التميمي الدارمي السمرقندي الفقيه الحافظ

المحدث المفسر المعروف بالدارمي المتوفى 869/255

(أنظر : كشف الظنون 522 ، 1008 ، 1683 ؛ البغدادي

هدية العارفين 441/1 ؛ معجم المؤلفين 71/6 ؛ الزركلي

الأعلام 95/4)

من تصانيفه :

1 - ثلاثيات الدارمي - في الحديث

كويريلي رقم رقم 14/1584 ورقة 124-126 ، 633

هـ نورعثمانية مجموعة رقم 3/750 ؛ نشر في بيروت 1985

وفي دمشق 1406 ؛

2 - مسند الدارمي = الجامع الصحيح = سنن الدارمي

أحمد ثالث مدينة رقم 293 ورقة 203 ، 1170 هـ

فيض الله أفندي رقم 525 ورقة 270 ، 1105 هـ ولي

الدين أفندي رقم 824 ورقة 192 ، 906 هـ أحمد

باشا رقم 67 ورقة 343 قيد السماع 613 هـ مراد ملاً

رقم 579 ورقة 261 ، 789 هـ داماد زاده رقم 579

؛ ولي الدين أفندي رقم 824 صفحة 384 ؛ طبع في

حيدرآباد 1309 وفي دلهي رقم 1327 وفي بيروت

؛ 1407

MADDE YAYIMLANMIŞTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

sayfa : 638

علي رضا قره بلوط، معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات

استانبول ، الجزء الثاني، [y.y.,t.y.] ، İSAM 141628 ،

فكري الجزار ، مداخل المؤلفين و الأعلام العرب حتى عام ١٢١٥ هـ = ١٨٠٠ ،
الجزء الأول ، ١٩٩١ الرياد . ص . ٤٦٨ . DIA KTP.16760..

- Darim Abdullah b. Abdurrahman

05 MART 1995

الدارمي (المحدث: صاحب سنن الدارمي)

عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام، التيمي، السمرقندي،
أبو محمد

١٨١ - ٢٥٥* هـ

٧٩٧ - ٨٦٩ م

* قيل: توفي سنة ٢٥٠ هـ «وذلك وهم»، والصحيح ما أثبتناه .

302.971

١ - تذكرة الحفاظ: ترجمة رقم ٥٥٢ في ٥٣٤:٢ ZEH.T

٢ - العبر في خبر من غير ٨:٢ . 922.97 ZEH.A

٣ - انظر: المقدمة التي كتبها الأستاذ محمد أحمد دهمان لاعتنائه بنشر «سنن» للمترجم له .

٤ - البداية والنهاية ١١:٢٣ . 297.9 KES.B.

٥ - مرآة الجنان ٢:١٦١ .

٦ - الرسالة المستطرفة ط ٣ - في ص ٣٢ . 0216.2973 KET.R

٧ - شذرات الذهب ٢:١٣٠ .

٨ - مفتاح السعادة/ تحقيق د. عبدالسلام أبي النور، الأستاذ كامل بكري في ١٤٥:٢ .

٩ - كشف الظنون في مواضع منها ع ١٦٨ ، ع ١٠٠٨ .

١٠ - هدية العارفين ع ٤٤١ .

١١ - الأعلام ٤:٢٣٠ .

١٢ - ٧١:٦ .

302.97

٢٩٤

١٥ / ٢٤٥/م

١٣ - تهذيب التهذيب

HAC.T.

١٤ - شذرات الذهب

NUJUMUL KUTUB
MAYHEKAT
SOPA GELAN JOHOREAN

١٣

011 KAT.K -

011 KAT.K -

300 SEB.A.

٢١٥ - التفسير *

DARIMI, Abdullah b. Abdurrahman

للدارمي: عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبدالصمد،
التميمي، السمرقندي، أبي محمد (ت ٢٥٥ هـ) ذكره الداودي وذكر
أنه روى عنه أبو داود، والترمذي، وبقي بن مخلد، ومطين^(٥). وكلهم من
المفسرين. وذكره أيضا الخطيب البغدادي^(٦). ويوجد في سننه روايات
تفسيرية كثيرة^(٧).

^(٥) طبقات المفسرين ٢٤٢/١-٢٤٤.

^(٦) تاريخ بغداد ٢٩/١٠.

^(٧) انظر على سبيل المثال ٣/١، ٤، ٥، ٦، ٩، ٣٧، ٣٩، ٤٩، ٥٤، ٥٥، ٦٥، ٧٥.